گزارش

تعلل واگذاری مدیریت ایران‌خودرو به بخش خصوصی عامل استمرار زیان ۱۰ میلیارد در ساعت خودروسازان است

زیان تعلل در واگذاری خودروسازان

نیهاد نیوان: سیاست یک بام و دو هوای دولتی‌ها در واگذاری مدیریت ایران‌خودرو و دیگر خودروسازان، نتیجه‌ای جز تبدیل آن از حالت کالای مصرفی به کالای سرمایه‌ای نداشته است. مردمی که حالا در مقابل چشمانشان، درآمدشان به‌خاطر بحران رکود تورمی، لحظه به لحظه آب می‌رود، چاره‌ای جز این ندارند که برای حفظ سرمایه مانده‌شان به بازار خودرو پناه ببرند. بازاری که به دلیل ندانم‌کاری مدیران دولتی خود دچار عارضه‌هایی مانند بحران رشد قیمت، نبود تنوع در عرضه، کیفیت پایین و خدمات نیم‌بند پس از فروش است. آن‌چنان که حالا خرید خودرو برای یک ایرانی به رؤیا تبدیل شده است. به نظر می‌رسد مدیریت دولتی و ادامه آن، داشتن اتومبیل را برای ایرانیان به آرزو تبدیل کرده است. گفته می‌شود، تعلل در واگذاری مدیریت از دولت به بخش خصوصی در صنعت خودرو به‌خصوص ایران‌خودرو اصلی‌ترین عامل استمرار زیان ۱۰ میلیارد در ساعت این شرکت است. ظاهرا خصوصی‌سازی واژه‌ای است که واقعیت‌های اقتصاد ایران نشان داده که معنای آن با معنایی که در سراسر جهان از آن استنباط می‌شود؛ تفاوت‌های جدی دارد. به‌طوری‌که نمود این امر را طی بیش از ۲۰ سال اخیر می‌توان به وضوح دید و در آخرین مورد در واگذاری دو باشگاه پرسپولیس و استقلال به کنسرسیومی از بانک‌ها و هلدینگ خلیج فارس مشاهده کرد. در اوایل دهه ۸۰ شمسی، پس از تصویب قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴، دولت وقت موظف شد سهام خود را در خودروسازان واگذار کند، به نحوی که مدیریت ایران‌خودرو و سایپا خصوصی شوند. اما طراحی‌ای که دولت در اجرای این سیاست داشت به گونه‌ای بود که مدیریت ایران‌خودرو و سایپا همچنان در اختیار دولت باقی بماند. علاوه بر آن، در سال‌های گذشته، بخشی از سهام دولت، به نهادهای غیردولتی و بانک‌ها واگذار شد و بخش دیگر از سوی زیرمجموعه خودروسازان خریداری شد؛ اما نگاهی به ساختار سهام‌داری خودروسازان نشان می‌دهد مدیریت این دو دسته هم در اختیار دولت است! در حال حاضر سهام‌داری شرکت ایران‌خودرو به این ترتیب است که هشت درصد سهام برای بانک‌های صادرات، تجارت و ملت، ۵.۷ درصد سازمان گسترش و نوسازی، ۲۷ درصد متعلق به مالکان شرکت کروز، سه درصد صندوق بازنشستگی، پنج درصد آتیه صبا و ۲۵ درصد متعلق به خود سهام‌داری است، بنابراین می‌توان ردپای دولت را در مالکیت ایران‌خودرو به وضوح مشاهده کرد. این در حالی است که دولت بر فرایند این شرکت باید نظارت داشته باشد ولی هرگز دخالتی در این فرایندها نداشته باشد تا شاهد آن باشیم که ایران‌خودرو به مسیر توسعه هدایت شود.با وجود آنکه خودروسازان از جمله ایران‌خودرو را از دایره دولت خارج کرد، اما دولت‌ها یکی پس از دیگری خلف وعده کردند و همچنان تصدی‌گرایی خود را بر این صنعت حفظ کردند. آن‌چنان که سیاست یک بام و دو هوای دولت‌ها نتیجه‌ای جز آشفتگی بازار خودرو را در پی نداشت. ارزیابی‌ها بیانگر آن است که در حال حاضر صنعت خودرو توان تولید به اندازه میزان عرضه ندارد؛ نشان به آن نشان که میزان نیاز سالانه بازار خودرو در کشور ۱.۵ میلیون دستگاه در سال است اما بنا بر داده‌های آماری، تولید خودرو در سال گذشته حدود ۸۸۱ هزار دستگاه بوده است. وضعیت در سال جاری به مراتب بدتر شده است، به‌طوری‌که در دو ماهه نخست سال جاری، تنها کمی بیش از ۱۳ هزار دستگاه بوده است.

داده‌های دیگر نشان می‌دهد که سالانه تولید خودرو در کشور در حال کاهش است و برای این موضوع دولت سیزدهم و مجلس یازدهم در یک اقدام تقریبا هماهنگ‌شده تصمیم گرفتند که خودرو وارد کنند اما تاکنون نتوانستند به نتیجه دلخواهی برسند. حالا هم که مجلس یازدهم برای همیشه به تاریخ پیوسته، تلاش‌های دولت سیزدهم با سرپرستی مخبر در این زمینه به دلیل عدم تخصیص ارز نتوانسته موفقیتی را به دست بیاورد. در عین حال، براساس صورت‌های مالی ۹ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۲ ایران‌خودرو، این خودروساز در این دوره بیش از ۱۷۹ هزار میلیارد تومان درآمد داشته است. اما با کسر بهای تمام‌شده و هزینه‌های دیگر، مشخص می‌شود که این شرکت ۳۰ هزار میلیارد تومان زیان کرده است؛ بنابراین می‌توان گفت ایران‌خودرو روزانه ۱۱۲ میلیارد تومان زیان ایجاد می‌کند.

به گفته کارشناسان اقتصادی، مادامی که تولید خودروهای داخلی با افزایش مواجه نشود بازار خودرو به تعادل نمی‌رسد.دولت سیزدهم نیز با بازدید رئیس‌جمهور این دولت از شرکت ایران‌خودرو، برنامه خصوصی‌سازی این شرکت تا شهریور ۱۴۰۱ را در دستور کار قرار داد، اما این مهم همچنان محقق نشده و به نظر می‌رسد در آینده‌ای نزدیک نیز نباید امیدوار به تحقق این امر باشیم. پیش از رئیس‌جمهور دولت سیزدهم نیز وزارت صمت تلاش می‌کرد خودروسازی را به بخش خصوصی واگذار کند و برای تحقق این امر نیز سه مسیر تدارک دیده شده است. به‌طوری‌که در ابتدا واگذاری اموال، املاک و سایر دارایی‌های غیرمولد شرکت‌های خودروساز، سپس واگذاری سهام متعلق به خود در شرکت‌های خودروسازی به سرمایه‌گذاران دارای اهلیت در راستای تأمین منابع مالی موردنیاز برای پروژه‌های اصلاح ساختار صنعت خودرو و در نهایت واگذاری سهام دولت در خودروسازی‌ها به سرمایه‌گذاران دارای اهلیت (با قابلیت افزایش سرمایه جهت سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و تولید محصولات جدید، سابقه فعالیت و حضور در صنعت خودرو) مدنظر قرار گرفته بود. بنابراین می‌توان گفت دولت‌ها باید در واگذاری سهام ایران‌خودرو جوری عمل کنند که «اصلاح ساختار» این شرکت به معنای واقعی رقم بخورد و از طرف دیگر نباید شرایط واگذاری به‌گونه‌ای باشد که پیش‌تر نمود آن در نیشکر هفت تپه و هپکو مشاهده شد.با این حال این امر نیز به سرانجام نرسید، پس می‌توان به صراحت گفت که دولت‌ها برای اینکه بتوانند دخالت خود در بازار خودرو را عملیاتی کنند بخشی از سهام خودروسازان را برای خود محفوظ نگه داشتند تا از مسیر مداخله در قیمت‌گذاری خودرو در مبدأ، سیاست دخالت در بازار خودرو را عملیاتی کنند.

ادامه در صفحه ۱۰

عکس: سپهند نائی، شرق

محمدرضا سرکار آرانی، استاد پداگوژی دانشگاه ناگویای ژاپن در گفت‌وگو با «شرق،» ریشه‌های جاماندگی ایران از توسعه را واکاوی می‌کند

توسعه؛ مسئله ایران

روز گذشته از کتاب «روایت محمد_سان؛ روایت محمدرضا سرکار آرانی از مسئله توسعه در ایران» با حضور مقصود فراستخواه، محمود مهرمحمدی، زهرا گویا و محسن رنانی رونمایی شد

شرق: چرا دیگران پیش رفتند و ما عقب ماندیم؟ این پرسشی تاریخی است که بارها از ذهن ایرانیان گذشته است. محمدرضا سرکار آرانی، استاد پداگوژی دانشگاه ناگویای ژاپن، معتقد است توسعه از آموزش آغاز می‌شود و در ایران دو نظام آگاهی وجود دارد؛ یک نظام آگاهی که از سنت می‌آید و سابقه تاریخی طولانی دارد و نظام آگاهی‌ای که از تجدد می‌آید و سابقه چندانی ندارد. این پژوهشگر تاکید می‌کند: در نظام آگهی متجدد که پایه و بنیان آن مدرسه و آموزش است، همچنان قصه سنتی مادران حاکم است و مدرسه همچنان مغلوب قصه مادران است. این در حالی است که برای توسعه نیاز است که قصه مادران پنبه شود و دوباره در مدارس بازسازی شود. درواقع کودکان باید بتوانند در مدارس جهان خود را بسازند. عصر دیروز از کتاب «روایت محمد-سان؛ روایت محمدرضا سرکار آرانی از مسئله توسعه در ایران» در شهر کتاب مرکزی رونمایی شد. در این مراسم، مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس ایرانی و استاد مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، محمود مهرمحمدی، استاد دانشگاه تربیت‌مدرس، زهرا گویا، استاد دانشگاه شهید بهشتی و محسن رنانی، اقتصاددان، حضور داشتند و درباره این کتاب تحلیل‌هایی ارائه دادند.

در پیچ مسئله

محمدرضا سرکار آرانی، استاد پداگوژی دانشگاه ناگویای ژاپن، معتقد است توسعه در ایران هنوز مسئله‌ای عمومی نشده است و به آن به چشم راهکار یا فراورده نگاه می‌شود. او توضیح می‌دهد: «ما ۲۰۰ سال است فکر می‌کنیم که توسعه راه‌حل ایران است. آن را به ابزار تقلیل داده و کارتابل عباس‌میرزا هنوز روی میز دولت‌های ماست. ببینید! تجدد یک مفهوم است و توسعه و مدرنیته مفهومی دیگر. ما نیاز داریم واژه‌ها و مفاهیم آن را به صورت دقیق از یکدیگر تفکیک و توصیف کنیم. فهم ما از توسعه، استفاده از محصول، کالا و فراورده‌ای است که باعث رفاه و آسایش بیشتر شود. حدی از رفاه محصول توسعه‌یافتگی است. این در حالی است که توسعه «فرایند» پیچیده و همه‌جانبه‌ای است. فراورده‌ها را می‌شود خرید، ولی فرایندها را باید با جان‌کندن و واسازی پندارها و شستن چشم‌ها ساخت. درواقع شما یا باید از کوه مشکلات بالا بروید یا اینکه تونلی حفر کنید تا از میانه تجربه‌های تلخ راه به راهی بیابید. شما نمی‌توانید در دامنه کوه بنشینید و از عظمت قله‌ها و راه رفته دیگران روایت کنید و انتظار داشته باشید که به آسانی به آن سوی کوه دشواری‌ها و ناکارآمدی‌ها برسید. بعضی وقت‌ها این تفکر حتی در نخبگان و تحصیل‌کرده‌های ایرانی نیز دیده می‌شود. ما مدام می‌گوییم که آن دیگری کجای شاخص‌های توسعه است و ما چرا اینجا هستیم؟ اینکه «ما چرا اینجاییم؟» پرسش نابی است، ولی بدون جسارت عملی و بصیرت نظری و واکاوی تاریخ تحولات، مسئله ما رونمایی نمی‌شود. اینکه ما خودمان بنشینیم و انتظار داشته باشیم دیگری بیاید ما را نجات بدهد، ما را به توسعه نمی‌رساند». استاد دانشگاه ناگویای ژاپن ادامه می‌دهد: «اگر ما اکنون در جایگاه فعلی هستیم، به این دلیل است که جای دیگری نمی‌توانستیم باشیم. اگر می‌توانستیم، حتما بودیم. درواقع ما آمادگی تمهید فرایندهای توسعه را نداریم و فقط دنبال محصول توسعه بوده و هستیم. همه ابزارها و فراورده‌ها را می‌خواهیم، ولی به بنیان‌های نظری و عملی آن وفادار نیستیم. اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم، ما نه‌تنها ابزارهای توسعه را ایجاد نکرده‌ایم، بلکه زیرساخت‌های توسعه را هم از دست داده‌ایم؛ منبع آب و خاک را گرفتار بحران کرده‌ایم، مهاجرت گسترده نیروی انسانی و سرمایه مادی را تجربه می‌کنیم و...».

گفت‌وگو، شروع توسعه

سرکار آرانی توضیح می‌دهد: «در جهان امروز، توسعه دیگر به مرز هم محدود نمی‌شود. برای مثال، بخش بزرگی از جنگل‌های ژاپن در ۱۵۰ سال گذشته محفوظ مانده است و این کشور برای آنکه جنگل‌های خود را حفظ کند، چوب مورد نیاز را از سایر کشورها وارد می‌کرد، اما امروز شما در شهر کیوتو ژاپن می‌ایستید و بعضی وقت‌ها توفانی از زباله و هوای آلوده از چین تا قلب کیوتو را شاهد هستید. بنابراین، این نگاه که من در قلمروی خودم محیط زیست را حفظ کنم و به محیط زیست دیگری آسیب بزنم، نگاهی منسوخ است. به نظر می‌رسد امکان تکرارپذیری روند تحول فکری و فرهنگی دوره مدرنیته دشوار است. پس ما باید چه کار کنیم؟ ما باید راه خودمان را پیدا کنیم. ابزار را می‌شود خرید، روش را می‌توان یاد گرفت، تئوری را حتی می‌شود رفت سر یک کلاس و فهمید. ما approach یا رویکرد خودمان را می‌خواهیم. ایران گرفتار نداشتن آن approach است». این پژوهشگر حوزه آموزش و توسعه تأکید می‌کند که راه رسیدن به الگو و رویکرد اختصاصی توسعه در ایران، گفت‌وگو است؛ «گفت‌وگو برای فهم موقعیت خود ضروری است». سرکار آرانی در ادامه می‌گوید: «ببینید! سال‌هاست که در ایران از الگوی توسعه صحبت می‌شود، اما ۱۵۰ سال است ما به جای کروکی‌کشیدن، نقشه و چشم‌انداز و سند تولید می‌کنیم. همه نقشه می‌کشیم و ما نقشه‌کش‌های قهاری هستیم. ما فکر می‌کنیم اگر نقشه کشیدیم یعنی توسعه. درحالی‌که تولید سند و برنامه بعضا جزء مناسک حکمرانی است. در گفت‌وگوهای روشنفکری هم گفتن از توسعه یعنی کجا می‌خواهیم برویم، اما کسی جرئت ندارد کروکی بکشد و بگوید ما کجا هستیم. قبل از انقلاب هم مدام از یک تمدن بزرگ و باشکوه حرف می‌زدند، اما کسی نمی‌گفت ما هم‌اکنون کجا هستیم. در ۱۵۰ سال گذشته ما نخواستیم یا نتوانستیم کروکی بکشیم. درواقع نقشه یا کروکی، مسئله ما این بوده است، ولی دیگران اگر قدمی از قدم برداشتند، کروکی کشیدند. گفت‌وگو کردند برای تهیه کروکی؛ نه اینکه گفت‌وگو کرده باشند که به کجا برسند. این در حالی است که در کشور ما مسابقه نقشه‌کشیدن وجود دارد».

گرفتار بی‌مسئله‌گی

او باور دارد ایرانیان در ۱۵۰ سال گذشته بیشتر از آنکه به دنبال واقعیات روی زمین و امکانات موجود باشند، دنبال آرمان‌ها و رؤیاها بوده‌اند. آرمان‌ها و رؤیاهایی که از حافظه تاریخی و قصه‌های مادران ما وام گرفته شده است.

این استاد دانشگاه علامه طباطبایی تأکید می‌کند: «کلیدواژه‌های بسیاری برای تکریم خود داریم، ولی کمتر از شاخص‌های سنجش‌پذیر گفته‌ایم. مثلا نرخ خرید کتاب یا خوانش کتاب ما چقدر است؟ شما هدف‌های آموزش و پرورش ایران را نگاه کنید؛ صدها هدف برای هر دوره تحصیلی داریم. انگار از همه چیز حرف می‌زند، ولی درواقع می‌خواهد هیچ چیز نگوید. ژاپنی‌ها می‌گویند وقتی شما از همه چیز حرف می‌زنید یعنی نمی‌خواهید حرف اصلی را بزنید». این استاد دانشگاه، مسئله اصلی ایرانیان را «بی‌مسئله‌بودن» می‌داند و توضیح می‌دهد: «ما در ایران دو نظام آگاهی داریم؛ یک نظام آگاهی که از سنت می‌آید و سابقه تاریخی طولانی دارد و نظام آگاهی از تجدد که سابقه چندانی ندارد. برای مثال، عمر اولین دانشگاه ما زیاد نیست؛ عمر کوتاهی است که برای خلق علم فرصت کافی نداشته است. در مقابل به کمبریج، آکسفورد و به دانشگاه‌های معتبر اروپای غربی نگاه کنید که زمان طولانی است میزبان بزرگ‌ترین دانشمندان جهان هستند. به همین ترتیب باید گفت ما در تجربه زیسته خود از تجدد و مظاهر آن به محصول دانشگاه رسیدیم، اما به فرایند توسعه نرسیده‌ایم. ما گفت‌وگو برای توسعه نداشتیم؛ چراکه مسئله ما نبوده است و ما ملت و دولت بی‌مسئله‌ای هستیم. سرکار آرانی درباره اینکه مسئله توسعه چگونه ایجاد می‌شود، توضیح می‌دهد: «ما رؤیای توسعه نداریم. ما رؤیای این را داریم که چه زمانی سفره پهن می‌کنند. ببینید! ما رؤیای فراورده‌های توسعه‌یافتگی را داریم. ما می‌خواهیم خودروی بهتری داشته باشیم، حکمرانی بهتری داشته باشیم، خیابان‌های تمیزتری داشته باشیم؛ ولی در این کشور هرکس در ناخودآگاه خود اعتقاد دارد که «من مبرا هستم و دیگری باید خود را اصلاح کند تا توسعه ایجاد شود». بنابراین ما در ایران رؤیای توسعه نداریم. ما به‌ظاهر فکر می‌کنیم که رؤیای توسعه داریم». او تأکید دارد که در ایران گفت‌وگو درباره مسئله نیست، بیشتر درباره خبر است و ادامه می‌دهد: «ما در ایران وقتی به هم می‌رسیم درباره مسئله حرف نمی‌زنیم، بلکه از خبر حرف می‌زنیم. شما ده‌ها سال است که در این کشور رادیو دارید، وقتی پیج آن را باز می‌کنید، می‌گوید ایران در شرایط حساسی به سر می‌برد و مردم مدام به دنبال خبر هستند. می‌دانید معنی خبر یعنی چه؟ یعنی اینکه ما از خودمان می‌پرسیم چه زمانی رفاه بیشتری پیدا می‌کنیم؟ چه زمانی دیگران کاری می‌کنند که من زندگی بهتری داشته باشم؟ وقتی انگشت این پرسش به سمت خود ما گرفته می‌شود، می‌گوییم ما که ایراد و اشکالی نداریم! آن دیگری بهتر است تغییر کند. یا اینکه توجیه می‌کنیم که نقشی در نابسامانی‌ها نداشته‌ایم. این رؤیای توسعه ملی نیست. بنابراین ما در ایران «خود» یا «خودبودگی» کمتر داریم. ما وقتی دست‌مان را بلند می‌کنیم که حرفی را بزنیم، می‌گوییم «من». در یک کشور توسعه‌یافته می‌گویند «من،... زیرا...!». درواقع من در اینجا به معنی خودبینی است، به‌جای خودبودگی».

خودبینی یا خودبودگی؟

این پژوهشگر توضیح می‌دهد: «خودبودگی حجم وسیعی از مسئولیت را به همراه دارد. مطالبه و مسئولیت‌پذیری دو رکن بازیگری است و بازیگری یعنی توسعه‌یافتگی. این هر دو در بستر آزادی شکل می‌گیرد و اخلاق در این شرایط متحول و زیست اخلاقی بسامان می‌شود. وقتی مطالبه و مسئولیت جان می‌گیرد و رشد می‌کند، میزان آزادی و اخلاق را در درون خودش بارور می‌کند. آموزش مدرسه‌ای نیز در این راستا نیاز همه ماست. ما به مدرسه نیاز داریم؛ زیرا به غیر نیازمندیم. غیری که محترم است. گفت‌وگو وقتی وجود دارد که شما معتقد هستید غیری هست. «غیر» محترم است. معتقد هستید غیری هست و محترم است و باید بروم آن را بشناسم و باید بروم زانو به زانوی آن بنشینم. یاد می‌گیریم که غیری هست، محترم هست، باید بروم آن را بشناسم و این غیر، مکانیسم فهم دیگری دارد؛ یعنی طور دیگری جهان را تفسیر می‌کند. فهم دیگری! وقتی شما این مسئله را باور ندارید، در قصه مادرت نیست، در کتاب درسی‌ات نیست و در نظام آگاهی سنتی‌ات نیست، یعنی توسعه مسئله شما نیست». سرکار آرانی معتقد است «تاریخ طولانی و نخوانده و بازاندیشی‌نشده ما، کار دست ایرانیان داده است. وقتی ملتی، خانواده‌ای، فردی حس کند که فهمیده است و رسیده است، یعنی با توسعه خداحافظی کرده و ما در ایران توهم رسیدن داریم، توهم فهمیدن همه جا هست. این به معنای امتناع از یادگیری است. وقتی ملت احساس می‌کند رسیده است، دیگر پرسشی ندارد. ما ملت بی‌پرسشی هستیم و دولت بی‌پرسشی هم هستیم و در این صفحه شطرنج با هم خوب بازی می‌کنیم، ولی با هم گفت‌وگو نمی‌کنیم. در یک کشور توسعه‌یافته، مدام دولت و ملت در حال گفت‌وگو هستند». او می‌گوید: «ما از ابزارهای توسعه برای بازسازی قصه‌های مادران و تعاریف و مفاهیم‌مان استفاده نمی‌کنیم؛ مثلا از مدرسه برای شنیدن صدای غیر استفاده نمی‌شود، از دانشگاه برای شنیدن صدای غیر استفاده نمی‌شود و... . دیگران اما از ابزارهای توسعه استفاده می‌کنند تا قصه‌ها و باورهایشان را بازسازی کنند. در ژاپن، سنگاپور، کره جنوبی و سایر کشورهای توسعه‌یافته، مدرسه که آمد، قصه‌های مادران را پنبه کرد و به دست بچه‌ها داد و گفت حالا خودتان آن‌طور که می‌توانید و می‌خوانید بیافید. در ایران وقتی مدرسه آمد، رشدیه که مدرسه را آورد، کتک خورد؛ چون پدران و مادران و جامعه و سیاست فهمید مدرسه آمده تا قصه‌های مادران را بازسازی کند و در ادامه فهمیدیم که مدرسه می‌تواند چند گره هم اضافه کند، اما به بازسازی قصه نرسید و همچنان مدرسه و دانشگاه مغلوب قصه‌های مادران است».

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

مناقصه عمومی دو مرحله‌ای خرید
PRESSURE & TEMPRATURE GAUGE
PGSOC
Persian Gulf Star Oil Company
شرکت نفت ستاره خلیج فارس(سهامی عام)

شماره مناقصه: PGSOC-LEC-PRESSURE & TEMPRATURE GAUGE -TE-02411

شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی عام) در نظر دارد خرید گیج های فشار و دما مورد نیاز پالایشگاه را از طریق مناقصه عمومی به تولیدکننده واجد شرایط واگذار کند، بنابراین از همه شرکت‌های معتبر دعوت می‌شود برای تهیه اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ با ارسال نامه، اعلام آمادگی خود را (مطابق دستورالعمل مکاتبات مندرج در وبگاه شرکت نفت ستاره خلیج فارس سربرگ مناقصات به آدرس WWW.PGSOC.IR) به همراه فیش خرید اسناد را از طریق پست الکترونیکی ارسال کنند.

هزینه خرید اسناد: ۲،۰۰۰،۰۰۰ (دو میلیون) ریال واریزی به حساب شماره ۰۲۲۳۹۰۳۸۱۱۳۴۸ بانک تجارت با شماره شبا IR۵۱۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۲۳۹۰۳۸۱۱۳۴ به نام شرکت نفت ستاره خلیج فارس (متقاضیان به منظور دریافت شناسه اختصاصی پرداخت می‌بایست با بخش خزانه امور مالی به شماره ۰۷۶-۳۱۳۱۲۶۶۰ و ۰۷۶-۳۱۳۱۳۳۵۷ تماس حاصل فرمایند.)

میزان ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه: مبلغ ۳،۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (سه میلیارد و نهصد میلیون) ریال. (در این مرحله دریافت نمی‌شود)

میزان پیش پرداخت: ۵۰ (پنجاه) درصد مبلغ کل قرارداد در قبال دریافت ضمانت نامه بانکی معتبر

مهلت تسلیم بسته پیشنهادی مناقصه (پیشنهاد فنی و ارزیابی کیفی): تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۶

محل تسلیم بسته پیشنهادی مناقصه و محل تحویل کالا: بندرعباس، کیلومتر ۱۳ محور بندرعباس به بندر خمیر، بلوار صنعت نفت، میدان نفت، بلوار خود کفایی، شرکت نفت ستاره خلیج فارس، امور حقوقی و قراردادها.

تلفن: ۰۷۶-۳۱۳۱۰۰۰۰ داخلی ۳۷۰۶، دورنگار: ۰۷۶-۳۱۳۱۳۱۳۱، کدپستی: ۷۹۳۱۱۸۱۱۸۳، ایمیل: Legal@pgsoc.ir

روابط عمومی و بین الملل شرکت نفت ستاره خلیج فارس
۲۲۰۰

نوبت دوم

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای
شماره: RND-0218027-MD تحت عنوان خرید کمپرسور هوا پرتابل

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند (سهامی عام)

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند در نظر دارد تامین موضوع صدرالاشاره را از طریق مناقصه عمومی طبق اسناد مناقصه به تامین/سازنده/ تولیدکننده واجد شرایط واگذار نماید. شرکتهای متقاضی می توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقصه به سایت WWW.IKORC.IR مراجعه نمایند.

۱- موضوع مناقصه :
الف) شرح مختصر:

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تعداد	مبلغ برآورد	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار(ریال)
۱	RND-0218027-MD (تجدید)	خرید کمپرسور هوا پرتابل	۰۳ دستگاه	۱۰۰/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۳۸۳/۰۰۰/۰۰۰

ب) تضمین مورد قبول شامل : ضمانتنامه بانکی / چک تضمینی / چک بین بانکی / واریز وجه نقد
ج) شرکت در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.
۲) کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط میتوانند مطابق تاریخ های ذیل جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه نمایند و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن ، مستندات ارزیابی کیفی را در قالب لوح فشرده در مهلت مقرر به آدرس ذیل ارسال نمایند . بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته و ارسال مدارک مناقصه از سوی متقاضیان بعد از مهلت مقرر قابل پذیرش نمی باشد. پس از ارزیابی کیفی از متقاضیان تائید شده جهت ادامه فرآیند مناقصه دعوت بعمل خواهد آمد.
۳) مهلت دریافت اسناد :
۳-۱- مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۱
۳-۲- مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۷
۴) نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: اراک، کیلومتر ۲۰جاده بروجرد- دو راهی شازند- شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند - اداره تدارکات کالا- اتاق ۱۲۰
تلفن تماس: ۰۸۶۳۳۴۹۲۹۰۹-۸۴۰
فکس: ۰۸۶-۳۳۴۹۱۵۰۷ یا ۰۸۶-۳۴۱۶۶۰۱۳

روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)شازند
۲۰۷۳